

برای پیروزی کفدراسیون چه خط حرکتی باید در پیش گرفت

کفدراسیون دانشجویان ایرانی در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پس از آنکه فعالیت تئوسوفی را بر ایران بکلی قطع شد، با ابتکار دانشجویان ایرانی خارج از کشور تشکیل کردید. کفدراسیون در مدت حیات خود خدما را نیابتی در دفاع از ضایع صنفی دانشجویان و مبارزه بر علیه رژیم استبدادی کثرتی کشور مابور راه شعارهای ملی و دموکراتیک را بر ایران، همگام با سایر نیروهای انقلابی همین ماحول را در پی پیوستن بنا بر ماهیت خود انجام خواهد داد. دفاع از کفدراسیون و حفظ و تکامل آن وظیفه کلیه دانشجویان متمدنی و کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است.

کفدراسیون سازمانی صنفی و توده‌ای است. صنفی است زیرا فقط دانشجویان عضو سازمانهای دانشجویی وابسته به کفدراسیون باشند و دفاع از منافع صنفی دانشجویان یکی از وظایف مهم کفدراسیون است. توده‌ای است زیرا که کفدراسیون باید اکثریت مطلق توده دانشجویان را باستانداده قلبی که بحفاظت هیئت حاکمه ایران و مقامات سازمان امنیت ایران و امپریالیست‌ها وابستگی دارند و خود مشکل ساز در عدم توجه به کمیت اعضای سازمانهای وابسته بکفدراسیون در واقع بمنافی نفع جنبه توده‌ای این سازمان است. آن را بصورت گروه و دسته کوچکی در خواهد آورد و مانع تشکیل اکثریت فاعل دانشجویان خواهد گردید.

اگر میکوشیم کفدراسیون سازمانی صنفی است این بان معنیست که کفدراسیون فقط به دفاع از منافع صنفی دانشجویان میپردازد و از مسائل سیاسی بکلی بیگنا است. بیوز در دنیا امروز و در کشور ایران هیچ سازمان صنفی نمیتواند از منافع صنفی خود دفاع کند مگر آنکه با یک سلسله از مسائل عام مبارزات ملی و دموکراتیک و روبرو گردد و در برابر آنها تصمیم صحیح و فاعل اتخاذ نماید.

کفدراسیون در زمینه سیاسی، در عین حال که شعارهای خاص هر طبقه‌ای را مطرح نمیکند، بنابر خصالت ملی و دموکراتیک خود شعارهای مشترک کلیه طبقات ملی و دموکراتیک ایران را در دستور کار خود قرار میدهد و در راه آنها مبارزه میکند. کفدراسیون باید با نهضت ملی و دموکراتیک خلق ایران یعنی با نهضت کارگران و دهقانان بخرد، بورژوازی شهری، روشنفکران و سرمایه داران ملی همگام باشد. از یکسو از توده دانشجویان جدا نشود و از سوی دیگر از این نهضت عقب نماند. کفدراسیون پیوسته باید مبارزه در دفاع از منافع صنفی دانشجویان را با مبارزه در راه شعارهای ملی و دموکراتیک خلق ایران و از آن جمله دانشجویان، بدرستی تلفیق کند.

در تعیین موضع اجتماعی اکثریت دانشجویان دو عامل عمدتاً مؤثر است. یکی مناسباتی که صرف نظر از وابستگی به طبقات کمپرادور و مالکان بزرگ ارضی اگر از خرد بورژوازی است و دیگر آشنائی دانشجویان با مبارزات دهان امروز، اگر مافوق مناسباتی را ملاحظه قرار دهیم عامل ایدئولوژیک و سیاسی را که بیرون در جهان امروز تعیین موضع اجتماعی روشنفکران معالک اقتصادا عقب ماندگانتر جدی دارد از دیده فرود آید نظریه درستی درباره نوع فعالیت کفدراسیون نخواهیم داشت. کفدراسیون پیوسته باید متعکس کند و تا میلاستقری و انقلابی اکثریت دانشجویان ایرانی باشد و در آنها به پیش رود. کفدراسیون سازمانی دموکراتیک است این معنی گمانا بندگان هر سازمان دانشجویی باید از طریق آرموسمی دانشجویان انتخاب شوند، در کلیه بحث‌ها در کلیه سازمانها باید روش دموکراتیک اعمال گردد، یکانه را بعد ستان آوردن اکثریت و غیر سازمان باید احترام بقایید بکاران و توسل به افتاع باشد، از هر روشی که موجب محدودیت اظهار نظر و بحث و تفاهم شود باید شدت اجتناب نمود. کوشش در احراز بقیه صفحه ۲

بیاد شهیدان راه انقلاب ایران

چنانکه سنت دیرین ماست، بنسایت روز مکرک ارانی، بیاد آوریم شهیدانی را که در راه انقلاب ایران و بحفاظت سعادت موعظان ما در آزادی آینه‌ها تابناک جان خدا کرده اند. بیاد آوریم همه آنها را که در خط آنها را که نامشان بر صفات کارنامه نهضت ما می‌درخشد بلکه همه آن هزاران و هزاران نوری را که نامشان در دفتر نوشته تاریخ ثبت است، همه آنها را که نامشان در دفتر با عمر پیروزی خلق ایران آمیخته است.

در روز بیاد آنها! در رخشان باد خائره آنها! افزاشته باد پرچم آنها!

خاطره دردناک شهیدان بار دیگر این زرخ تاریخ را تائید میکند که مبارزه طبقاتی مبارزهای بیرحمانه است، تعارض و تضاد باسلام صلوه بر کارز نمیشود، تقنی نیست، امری حیاتی و معانی است.

خاطره دردناک شهیدان با هزار انگشت نشان میدهد که محمد رضا شاه دشمن شماره یک خلق ایران است. در تاریخ بیست و پنج ساله اخیر وطن ما هیچ جنایت و هیچ خیانت‌های نیست که از اعضای محمد رضا شاه نگذشته باشد. آن ثروت منمنی ملت ما که محمد رضا شاه بحاک فرستاد، مزد گرفته و آن ثروت مادی خاک کشور ما که محمد رضا شاه بیرون کشید، و به راهزنی بین المللی تقسیم داشته است تقسیم شدنی نیست. در راه ایران کانون نیروهای اجتماعی و عالی امپریالیسم است. تا این دربار از بیخ و بن گنده نشود راه ایران بسوی آینده سعادت مند باز نخواهد شد. روزی بیست‌های جهانی که عهد مودت با محمد رضا شاه بسته اند و روزی بیست‌های ایرانی که با آرایشگری او مشغول اند به منافع حیاتی خلق ما و به راه شهیدان ما خیانت می‌ورزند. خاطره دردناک شهیدان ثابت میکند که در شرایط کشور ما راه مسالمت آمیز نقطه تغییر بنیادی جامعه ایران قشعی نمی تواند شد بلکه برای توده های زحمتکش خلق راهی رنجبار و دردناک گراست. کافی است که بانوه مردی که هر سال از بسی

بازار دیگر در باره لزوم احیای حزب طبقه کارگر ایران

عذائی ویی درواشی جان سپرده و میسارند، بدست زانند و کشته شده و میشوند، در زندان وزیر شکنجه و در پای جوشه اعدام از پای در آمده و در میابند، در زمینک هاود و مستراسیون هایلاک شده و میسارند نظر کنیم کافی است که کشتارهای فریب آور ۱۳۴۵، ۲۲۹ تیر ۱۳۳۹، ۲۰ تیر ۱۳۳۰، مرد ۱۳۳۰ و پس از آن، هفتاد و نهمین خرداد ۱۳۴۳ و قبل عام سالهای اخیر را در جنوب ایران از خاطر بگذرانیم تا معلوم شود که راه مسالمت آمیز در هر سالی که بطول انجامد چیه قیمتی برای مردم تمام میشود. اگر آنها که جان خود را در زنجیر دشمن و با دست بسته قهرمانانه فدا ساختند، بقیه صفحه ۲

پیروزی باد آرمان مقدس ارانی

دکتر تقی ارانی یکی از رشتخاسترین نمایانهای نهضت کثرتی ایران است. او یکی از روشنفکران نادری بود که در دوران سیاه رضا خانی به آرمانهای طبقه کارگر ایران پیوست و دفاع از رنجبران و خلق زحمتکش همین مارا بر عهده گرفت و عقایت هم جان خود را بر سر این مبارزه مقدس گذاشت.

ارانی در روزی که سایه شوم شهرت بیانی مختاری - مانند سازمان امنیت امروز - بر سراسر ایران سنگینی میکرد با انتشار مقاله "دنیای پرچم تابناک مارکسیسم را برافراشت و حتی در طلعات دادگاه رتاشاسی سباز دفاع از آن باز تابستان - و وقت - هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که دست کوتاه حیات حودیبه اندازه سوسیالیسم و کمونیسم زاجع بدان کتابت است. کیف و این گرت انتشار یافته باشد. اینک آیا "نگاه آور نیست که در این کج خلوت همان افکار و عنوان اقدام بر علیه امنیت بسا مجازات در سال حسین مقیم شود؟ مخالفت با موازین اخلاقی و نوامیس مقدس بشر بقدری صورت رقیع بخود گرفته است که عقیده ای که از آزادی و صلح و جلوه گیری از فقر و فساد و وحشا و خونریزی صحبت میکند با مجازات ده سال تعقیب میشود."

سخنانی که وی تقریباً در سی سال پیش در مورد ترس هیئت حاکمه از رنجبران ایران بر زبان آورده هم کثرتی بقوت خود باقی است؛ چرا اینکه راز رنجبران مقیمید؟ چقدر به چشم زنده است که ما مورسین شهرتانی تا چشمشان بورقهای که گمه رنجبر دارد میافتد. با سرور که هجوم میآورند. بقیه صفحه ۲

بار دیگر در باره لزوم احیای حزب طبقه کارگر ایران

کرده و افکار آنها را بشود مشغول میدارد. کرایش به نمونه انقلاب کوبا از عوامل سرچشمه میکرد. از یکطرف سلطه ارتجاع هار و بنان کسبخته در ایران که هرگز آزادی را از مردم سلب کرده و از هر کثه فعالیت اجتماعی جلو میکرد. در چنین شرایطی احیای حزب طبقه کارگر کار آسانی نیست. این جوانان در برابر دشواری و غیبه از انجام آن سر باز میزنند و باین استدلال که حزب بخودی خود "هدف نیست" وسیله است برآنند که اکنون کاستناده از این وسیله مقدور نیست باید از آن چشم پوشید و بدنهال وسیله دیگری رفت. انقلاب کوبا این وسیله را نشان میدهد. از طرف دیگر پیدایش و مرکز در جنبش جهانی کمونیستی، یکی اتحاد تئوری است و دیگری چین که پرچم مارکسیسم - لنینیسم و ضد انقلاب جهانی - پروکارتاریائی را برافراشته و نیروهای انقلابی در زیر آن گرد آمده اند. این مرکز پیرو و مدافع حقیقت است و در مسیر تاریخ حرکت میکند، آن دیگر حقیقت را تحریف نمیکند و میگویند چرخ تاریخ را به عقب باز گرداند. در این میان عدم از بیم آنکه ما را در نهاله در حزب کمونیست چین بخوانند و به "اطاعت کورکورانه" از یک تنهم بازماند، از گرفتن جانب حقیقت خود داری میورزند و بیبهاغه حفظ "استقلال" خویشی و عدم "اطاعت" نه از این و نه از آن براه سویی میورند که در واقع راه بوهوسی است. یگانه راه مبارزات واقعی راه آزادی و استقلال ایران راه پروکارتاریائیست، هر راه دیگری در بیراهه طبقات حاکمه میافتد و به ادامه وضع موجود میانجامد. کافی بقیه صفحه ۲

پیروز باد جنگ توده‌ای خلق قهرمان ویتنام

برای پیروزی کفد راسیون ... احزاب اکثریت در سازمانهای دانش جویی از طریق بند و بست تشکیلاتی بضمون دموکراتیک این سازمان ها لطمه جدی وارد میسازد آنها را به سازمانهای صوری تبدیل می کرد اندوید نتیجه موجب پراکندگی آنها میشود . از آنجا که کفد راسیون سازمانی ملی و دموکراتیک است دانشجویانی که فعالیت خود ملی و ضد دموکراتیک داشته باشند طرفداران سیاست های امپریالیستی، هردار آن رژیم کونی ایران، وابستگان پیدر بار ایران، دانشمندان عقاید فاشیستی، معتقدان به تبعیض نژادی نمیتوانند در آن شرکت جویند . کفد راسیون باید پیوسته از سیاست آنتی کمونیستی که ساخته و پرداخته امپریالیست ها و مایه فتنه نبردهای ملی و دموکراتیک است پیکار باشد .

فعالیت کفد راسیون نباید گاه بگاه مبر حسبروید از حوادث مهم باشد . کفد راسیون باید بر تانعه منظمی برای تجهیز اکثریت طیفی دانشجویان، ارتقا سطح معلومات اجتماعی و مبارزه جویی آنها تأکید داشته و عملی ساختن شعارهای خود پیوسته بتکار عمل را در دست گیرد . کفد راسیون باید در منا سبتهای بین المللی خود سیاستی فعال یعنی برتری نبردهای شرقی، جهانی و تضعیف نبردهای ارتجاعی جهانی داشته باشد . کفد راسیون بمنظور انعکاس در اندیشه های دانشجویان ایرانی در محافل بین المللی و شرکت در همکاری نیروهای ضد امپریالیستی جهانی باید با کلیه سازمانهای دموکراتیک جهانی، و ویژه سازمانهای دانشجویی تماس منظم برقرار کند و با آنها بعبارت لججاری پیروز از کفد راسیون پیوسته از این سازمانها کمک بگیرد و آنها را به اندازه توانائی خود کمک میرساند . در عین حال کفد راسیون باید در برابر سازمانهای باصلاح دانشجویی بین المللی کساخته امپریالیست ها و دستگاههای جاسوسی هستند روز به روز جویانه داشته باشد و آنها را افشا کند . کفد راسیون باید مستقیماً نیز تحت امکان سازمانهای دانشجویی کشورهای دیگر پیوسته کشورهای آسیای شرقی و آسیای لاتین ارتباط برقرار کند با آنها به مبادلت تجارب پیروز از به آنها کمک به هد و آنها را کمک بگیرد . ما آرزویم کفد راسیون در آینده بیش از پیش به نهضت دانشجویی ایران خدمت کند و تعصیری فعال در جهت نبردهای ملی و دموکراتیک بهمین راه ۱۳۴۶ - سازمان مارکسیستی - لنینیستی تسوفان

بند و بست چند تن . . . بقیه از ص ... در کنگ بدشمنان این جنبش ها را در یکسانور . های نظامی امریکای جنوبی گرفته تا شاه ایران و دوجیمان اندونزی، بر یکدیگر سبقت میگیرند . در این میان هم کاری میان دولت شوروی و امپریالیسم امریکا در ایران باند از راهی آشکار و عیان است که حتی روزنامه اطلاعات را نیز بشکفتی انداخته است . ببنیت سرفقاله اطلاعات هوائی مورخ یکشنبه اول مرداد ۱۳۴۶ چه می نویسد : " چند روز قبل خبری داشتیم حاکی از این که بانک صادرات و واردات امریکا و امی . بعلم بیست و یک طینو و هفتصد هزار دلار بایران خواهد پرداخت کرده طینو و چهارصد هزار دلار از این اعتبار برای کمک در خرید کالاهای اساسی اهوراز در نظر گرفته شده است . تعجب خواهید کرد اگر بگوئیم این کارخانه همان است که لوله برای انتقال گاز ایران بشوروی خواهد ساخت و اصل کارخانه را نیز امریکا با ایران فروخته است چون امریکا تنها کشور سازنده این قسم کارخانه می باشد قطعاً شما هم مایلید به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه امریکا حاضر میشود در معامله بزرگی مثل معامله نفت و گاز بین ایران و شوروی از طریق فروز کارخانه لوله سازی همکاری کند سهل است که یابانها معتبر امریکائی نیز بایران وام میدهند تا این کارخانه زودتر راه بیفتد و بهره دهد . " نه بدین شک از جلسه بود ایست " مبارزه موثر علیه امپریالیسم دفاع از جنبشهای نجاتبخش " بهمین خواهد آمد .

پس هدف گروه راسیون نیست شوروی که این همه برای تشکیل جلسه احزاب " کمونیستی و کمارگری " تلاش میکنند چیست ؟ سران راسیون نیست شوروی در نظر دارند بخط مشی نادرست و ایرونیستی خود، دایره به احیای سرمایه داری در شوروی همکاری با امپریالیسم امریکا ، با ارتجاع و دشمنان سوکند خورده خلقها، دایره بجلوگیری از انقلاب و مبارزه بر ضد جنبشهای انقلابی خلقها جنبه رسمی بدند و آنها بخط مشی جنبش جهانی کمونیستی بدل سازند . شک نیست که این خط مشی را آنجا که بتواند با نقاب مارکسیسم - لنینیسم خواهند آراست زیرا تا کثرت آنها بهر بیسی عوارضی استوار است . آنها به وفاداری به مارکسیسم لنینیسم سوکند میجویند اما در واقع علینا برحاسته آنها از ازموت سخن میزنند اما در واقع تمام کوشش خود را برای ایجاد انشعاب بکار می اندازند و آنها همه را بجایزه ضد امپریالیستی فرامی خوانند ولی در واقع با امپریالیسم امریکا همکاری میکنند ، آنها در حرح خود را بششمان مبارزه میباشند و خلقها را اعلامیه اوردند اما در واقع بششمان خلق یاری میرسانند و مبارزه انقلابی خلقها را اوزیر در هم میکنند . این تا کثرت امروز افشا شده و دیگر کسی را نمیفرید . گروه راسیون نیست شوروی میخواهد با تشکیل این جلسه تضاد درونی و تفرقه احزاب و کشورهای راسیونستی را با ظاهر وحدت بیاورد و صفوفاز همسختخته آنها را بظواهر استحکامی بخشد و در عین حال سیاست خود را در جنبش راسیونستی که بشدت تضعیف کرد بدینا حدودی تقویت کند ، ناگامیها و شکست های خود را بیوشاند .

علی رغم این ادعا که " هدف جلسه مشاوره برکاری هیچ جنبی در جنبش کمونیستی نیست " (ماهنامه مردم) گروه راسیون نیست شوروی در تلاش است که حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی را که مانند سنگ خاراد در مواضع مارکسیسم - لنینیسم ایستادند و همچنین احزاب مارکسیست - لنینیست دیگر مشابه " دکا - تیک " و انشعاب اینک " محکوم کند . این است هدف گروه راسیون نیست شوروی از تشکیل این جلسه . اما مسلم است که این مانور سرنوشته آنها را تعبیر نخواهد داد و راسیونیسیم هر روز بیشتر در راه اغمخلال پیش خواهد رفت . آینده مانند همیشه از آن مارکسیسم - لنینیسم است . احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست یا پیروی از خط مشی صحیح و همراه با طبقه کارگر و تردهای خلق در مبارزه امپریالیسم و ارتجاع و راسیونیسیم پیروزیهای تازه و تازمتری بدست خواهند آورد .

اکنون قریب سی سال از مرگ این انقلابی بزرگ میگذرد ولی یاد او بیسته به مبارزان راه آزادی و استقلال ایران نیرو الهام میبخشد . مارکسیست - لنینیست های ایران خاطره ارانی را جاودان گرامی خواهند داشت و خواهند کوشید که خود را در خور این رهبر ارجمنده نشان دهند . درود بپروان پساک دکتر ارانسی ! پیروز بناد آرمسان مستقدن دکتر ارانسی !

روز هبستکی جوانان بقیه از ص ... را در قلب روزیونیسیمها نیز باز کرده است . رهبران روزیونیسیم شوروی و اروپایی خاور میزهای خویش را برای اینکه فرهنگ امپریالیستی باز گذاردند و به تیره خود در توسعه و تقویت آن کوشش نمایان بکار بردند بطوری که امروز فرهنگ امپریالیستی و فرهنگ روزیونیسیمی شکل یکدیگر گرفته بداند . روزیونیسیمها هم مبلغ کثرت لذات انفرادی در خارج طبقاتیاند ، مبلغ ترس از جنگ اند ، هر جنگی که باشد در این کشورها حرص سوزان به لذات انفرادی به چشم میخورد به جوانان این کشورها مسئله خلق سلاح - که با وجود امپریالیسم خیالی پوچی بیش نیست - بعنوان تحفه سیاسی عرضه می کردد . باین طریق روح مصالحه و آشتی، روح همکاری با دشمن و کنار آمدن با وی، روح " همزیستی مسالمت آمیز " در توده ها سیده میشود و روح انقلابی، روح کمونیستی از بیکر آنان رانده میشود . لنین و استالین که با تمام قوا علیه فرهنگ امپریالیستی رزمیده اند ، یا مورد استهزا قرار میکنند و یا تکفیر می شوند در عوض خروش و شاکر دانش که دوباره فرهنگ ضد کمونیستی - فرهنگ روزیونیسیمی - را عودت دادند مورد تقدیر قرار میکنند . انقلابی بودن منوع میشود و بجای آن استریتب تیز مجاز میگردد . برای کسانی که خارج از مرز روزیونیسیمها زیست میکنند کافی است به فیصلهای ساخت شوروی، چکسلواکی، مجارستان، لهستان توجه کنند تا بداند که چگونه در این کشورها کوشش میشود که رنگ سرخ جوانان ز دوده کردد .

امپریالیسم با تمام قوا کوشش میکند که فرهنگ مطلوب خود را در کشورهای اسیر نیز اشاعه بخشد . فرهنگ حاکم در کشور ما نشو و بارزی از آن فرهنگ است که در خدمت تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی می باشد . این فرهنگ با تمام قوا کوشش میکند که مقاومت جوانان ما را در هم شکند . برای آنان چنین تبلیغ کند که ترقی و پیشرفت اجتماعی کشور ما در تحت تسلط امپریالیسم و رژیم دست نشانده او هم امکان دارد ، چنین تبلیغ کند که جوانان باید با روی شخصیت خود بگذارند و به گروه چاپلوسان و علائق خانواد محمدرضاشاه بگروند . چنین تبلیغ کند که در غیر اینصورت باید به کوشه عزت روی آرد و در فقر و ناگامی به هستی کبابی خود ادامه دهند .

جوانان ما استلای فرهنگ امپریالیستی را با کوشش و پوست خود احساس میکنند . بیکاری و انواع محرومیت ها کریانگیر اکثریت قاطع جوانان ایرانی است و به حق میتوان گفت که جوانان کشور ما نیز در مرکز تضادهای حاد جامعه قرار گرفته اند و علیهذا بالقوه یکی از نیروهای مهم انقلاب ملی و دموکراتیک بحساب آید جوانان کشورهای اسیری نظیر ایران اگر رهبری و تشکل سیاسی داشته باشند ، نیروی عظیمی را تشکیل میدهند که هیچکس را یاری مقاومت در مقابل آن نخواهد بود . باید به میان جوانان رفت و آنانرا در راه مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک بسیج نمود . باید جوانان روشنگر و دانشجو را بر آن داشت که با توده های وسیع کارگران و دهقانان در آمیزند و خود را بپیمان مبارزه انقلابی تودهای بیافکنند و با توده ها یکی شوند . زندگی انفرادی و تفکرات ذهنی همان چیزی است که امپریالیسم برای جوانان به تحفه آورده است . اگر جوانان کشورهای نظیسیم ایران خواهان نجات خویشانند باید ابتدا به نجات توده های زحمتکش کشور خود بیاندیشند . باید به پیشبرد امر انقلاب و شکست قطعی امپریالیسم بیاندیشند . باید بدان بیاندیشند که تا زیر بنا تغییر نیابد، تغییر رو بنای میسر نیست . جوانان جهان که فعالترین و شادابترین نیروهای کلیه جوامع هستند باید فرهنگ امپریالیستی را در هم شکند و برای در هم شکستن فرهنگ امپریالیستی به در هم شکستن مقاومت امپریالیسم جهانی نیاز دارند . جوانان سراسر کیتی باید توجه داشته باشند که در دام تبلیغات امپریالیسم و روزیونیسیم نیافتند و بدان راهی گشاده نشوند که با میل امپریالیسم و روزیونیسیم مطابقت داشته باشد .

از آنجا که دشمن تمام جوانان جهان یکی است - هبستکی اینان نیز علیه دشمن مشترک امی لازم و اجتنابنا پذیر میباشد زنده باد روز هبستکی جوانان جهان در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع . کشته باد مبارزه جوانان ایرانی بر ضد رژیم کسوتنا و حامیان امپریالیست آن

پیروزی در آلمان . . . بقیه از ص ... جن از پساله باندازه شهبانی نهران از رنجبر معتبرند . مگر رنجبر تمام جزئیات عمیا شمارا تا مین میکنند ؟ مگر اکثریت ملت ایران به نسبت نه در هم رنجبر نیستند ؟ پس چرا تمام قوه شهبانی صرف تحقیق برقرار رنجبر است ؟ این نوع تحقیق و محاکمه واضح میکند که شما نغفلت با توده مخالفید بلکه نیز از آن سخت هراسانید ، این تحقیق شد بد غیر ترس و لرز علت دیگری نمیتواند داشته باشد . باین ترتیب شما اقرار تلویحی بقدرت توده میکنید . " جقدر برای یک جامعه ننکین است که طرفداری از رنجبران و حفظ حقوق آنان اینقدر سخت مجازات میشود . "

در جوامعی که طبقات ضحاصم تقسیم شده قانون چیزی جز اراد طبقات حاکم برای تأمین منافع خویش نیست یا بگفته ارانی " قوا - نین محصول فکر و حافظ منافع آن طبقات است " . قوانین عبارت از فرمولهای تیلور و شجرین است که طبقات و امع آنها در عمل دارند که بعدالت واقعی در قالب آن قوانین صورت عملی را داند اما " آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده شفاف و حاکی از عدالت باشد ؟ " . " تاریخ پر از قوانین تیره نوار است " چه قوانین جابرانه ای که بنام عدالت در تاریخ بشر ظاهر و منسوخ گردیده ! " . " آیا قوانین جابرانه امروز و شهبانی ها طبقات ممتاز با آن قوانین و تمصیبات اوار قبل تفاوتی دارند ؟ نه " . قوانینی که بنا بر اراده اقلیتی و بخاطر حفظ منافع آن وضع میشود نمیتواند مورد قبول توده های زحمتکش واقع شود . چنین قوانینی نه تنها مقدس نیستند بلکه باید آنها را بزور همرا با طبقات حاکم بر انداخت . " فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده باشد . "

دکتر ارانی انقلابی دلیری بود که در دفاع از منافع و حقوق رنجبران و در مبارزه با بیدارگری از جان خویش هم پروائی نداشت او با دفاع متبهورانه خود در دادگاه و در واقع باستقبال مرگ شرافت . شهبانی مختاری این را بد مرد بزرگ را در زندان شهید کرد .

بازد یکدیگر باره . بهیچا زهر ۱
است به سر نوشت یکسلاوی و هند که سالها بعنوان نمونه‌های
در خشان راه سوم از آن یاد میکردند اندیشید .
انقلاب کوبا نخستین انقلابی است که در قاره آمریکا و در مجاری
کشور آمریکا بوقوع پیوسته است . این انقلاب تاثیر عمیقی بر
نجات بخش‌های در مقابل سدهائی و بویژه بر جنبش نجات بخش
خلق آمریکای لاتین بر جای گذاشته است . این انقلاب ضربه
سختی بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت که آثار آن هر روز
بیشتر نمودار میگردد . اما آیا میتوان راه انقلاب کوبا را تعمیم
داد و آنرا به خلق‌های که با امپریالیسم در مبارزه‌اند توصیه
کرد ؟ از آن هم بالاتر آیا میتوان آنرا به شبه حقیقی که مار-
کسیسم - لنینیسم را غنی ساخته است یگانه راه انقلاب کشورهای
منطقه توفسانی یا لا انکسورهای لاتین بشمار آورد ؟ بدون شک
پاسخ این سولات همه منفی است . انقلاب کوبا تجربه خاصی
است که در شرایطی استثنائی آغاز گردید و توانست به پیروزی بر-
چهنده و لبه تیز انقلاب کوبا علیه رژیم فاسد و پوسیده
پاتیستاقود موجود خصلت‌های امپریالیستی آن در آغاز چندان
آشکار نبود و امپریالیسم آمریکا بتصور اینکه قیام فیدل کاسترو در
ماهیت رژیم تغییر نخواهد داد ، سهل است بر اثر آن بجای
مرد لیبی آبروی مانند پاتیستاق شخصیت بر جسته‌ای خواهد
نمست که در میان توده‌های مردم مقام و اعتباری دارد . اقدامی
برای سرکوب قیام بعمل نیارود . امپریالیسم آمریکا آنکه ماهیت
قیام بی برد که دیگر پیروزی انقلاب مسلم بود و سرکوب مستقیم
انقلاب برای وی دیگر امکان نداشت .
پیشاهنگان انقلاب کوبا ، نه پیش از انقلاب و نه در جریان آن
معیجگاه استقرار سوسیالیسم و حتی استقرار رژیم دموکراتیک
توده‌ای را نیز هدف حویث قرار ندادند . بدیهی است که ایجاد
حزب انقلابی طبقه کارگر که شرط لازم و اولیه پیروزی انقلاب بود-
گراسی نوین و گذار به سوسیالیسم است برای آنها مطرح نبود
و نمیتوانست باشد . تنها پس از پیروزی انقلاب آنها با پانها
عقبه کارگر پیوستند ، حزب انقلابی طبقه کارگر را پایه گذارند و
به استقرار نظام سوسیالیستی پرداختند . اما مارکسیست -
لنینیست ها که از هم اکنون انقلاب ملی و دموکراتیک برهبری
طبقه کارگر را وجه همت خود قرار دادند ، آیا میتوانند خود را
از تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگری نیاز بدانند ؟ آیا میتوانند
اینگار را بیعد از انقلاب موکول کنند ؟ اگر حزب طبقه کارگری
از انقلاب دور در جریان آن ضرور نباشد معلوم نیست همچین سبب پیروزی انقلاب
ضرورت آنرا ایجاد میکند ؟ اگر میتوان بدون حزب انقلابی طبقه کارگر
به انقلاب دموکراسی نوین دست یافت بدون شک بدون چنین
حزبی نیز میتوان به ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم ناائل آمد .
در این صورت ایجاد حزب طبقه کارگر پس از پیروزی انقلاب ملی
مفهومیت میتواند داشته باشد ؟ اگر صحیح است که انقلاب ملی
و دموکراتیک برای آنکه به پایان برسد ، باید طبقه کارگر رهبر
آن باشد ، در این صورت این رهبری چگونه و از چه راه تحقق
خواهد پذیرفت ؟ آنهایی که میکوشند که تجربه و حالت خاص
انقلاب کوبا را تعمیم دهند اگر در کار خود پیکر باشند بناچار
باین نتیجه خواهند رسید که برای ساختمان کمونیسم نیازی به
حزب طبقه کارگر و رهبری طبقه کارگر نیست و در اینجا خواهند
خواه در موضع رویزیونیسم قراومیکیند .
نکته‌ای که بیژان انقلاب کوبا بر روی آن انگشت میکشند همین
فقدان حزب انقلابی طبقه کارگر پیش از انقلاب و در جریان آن
و عدم لزوم آن در پیروزی انقلاب است . در پیروزی انقلاب کوبا
حزب نقش بازی نکرد اساساً حزبی نبود که نقش بازی کند .
لذا برای پیروان انقلاب کوبا این سوال مطرح میشود : اگر انقلاب
کوباید وجود حزب انقلابی طبقه کارگر که پیروزی رسید چرا
در کشورهای دیگر و از آنجمله در کشور ما نمیتوان انقلاب ملی
را سر مشق قرار داد و از احیاء حزب انقلابی صرف نظر کرد ؟
خوننده کرامی توسان در واقع بهمین نکته اشاره میکند وقتی
مینویسد : " آیا انقلاب کوبا را یک حزب انقلابی بوجود آورد ؟
یا بالعکس دست این انقلاب بود که حزب انقلابی کوبا را ایجاد
کرد ؟ " رویز بره تئوریستین انقلاب کوبا نیز در اثر خود " انقلاب
در انقلاب " چنین مینویسد : " بهمین جهت است که در اوضاع
و احوال کونئی تکیه عمده باید بر روی بسط جنگ جزئی گذارد
شود و نه بر روی تقویت احزاب موجود و یا ایجاد احزاب جدید

۴ " ارتش توده‌های هسته حزب خواهد بود و نه بالعکس " . در
واقع مسئله این گونه مطرح میشود : اول انقلاب ، بعد حزب .
معلوم نیست که انقلاب را بجزب نیازی نباشد دوران بعد از انقلاب را
چه نیازی بجزب است ؟
مسئله لزوم حزب طبقه کارگر برای رهبری انقلاب بکرات از طرف
لنین مطرح و تأکید شده است . مائوتسهدون پس از یک صبح
تجربه تئوری و پروتیک انقلابی باین نتیجه میرسد که " برای انقلا
کردن باید حزب انقلابی وجود داشته باشد . بدون حزب
انقلابی ، بدون حزبی که بر پایه تئوری انقلابی مارکسیستی -
لنینیستی و سبک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی استوار باشد
ممکن نیست بتوان طبقه کارگر و توده‌های وسیع خلق را در
مبارزه با امپریالیسم و نوکران آن به پیروزی رهنمون شد . " .
تاریخ انقلابات پسرولتاریائی ، همین انقلابی را نشان نمیدهد
که بدون حزب سیاسی انقلابی انجام گرفته باشد . نمونه‌یتم
که هم اکنون در آن جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و نوکران آن
جریان دارد تازه ترین تجربه تاریخ است . پیروان انقلاب کوبا
میرسند : آیا پس از تجربه کوبا چسبیدن به احکام لنین ، استا-
لین و مائوتسهدون و تکیه بر تجربه لنین فیم جنبش انقلابی پرو-
لتاریائی نشانه دگماتیسم نیست ؟ آیا تجربه کوبا با رد احکام
لنین ، استالین و مائوتسهدون مارکسیسم - لنینیسم را غنسی
ساخته و حکمی بدست نداده است که باید از این پس از آن
پیروی کرد ؟ اما باید از آنها پرسید : آیا میشود تمام تئوری
لنین ، استالین و مائوتسهدون را در باره حزب و تجربه انقلاب
پروتاریائی نیم قرن اخیر را که کوا به بر صحت آن است بیکار به
دور انداخت و تجربه کوبائی انقلابی را که تجربه خاصی است
ملاک تئوری و عمل انقلابی قرار داد ؟
تئوریستین های انقلاب کوبا و پیروان آن جنبه های مختلف خاص
انقلاب کوبا را می گیرند و از آنها احکام عام میسازند . مثلاً از
آنجا که انقلاب کوبا از طرف حزبی انقلابی رهبری شده فوراً
نتیجه میکیند که انقلاب را برهبری حزب نیازی نیست ؟ از آنجائی
که پس از پیروزی انقلاب در کوبا حزبی انقلابی پدید آمده فوراً
حکم دیگری می آفرینند که حزب انقلابی باید پس از پیروزی
انقلاب تشکیل شود ؛ از آنجا که حزب انقلابی را در کوبا پیش-
آهنگان مسلح انقلاب تشکیل دادند ، این حکم را بیرون میکشند
که " ارتش توده‌های باید هسته حزب باشد و نه بالعکس " .
(رویز بره) ؛ از آنجا که در مبارزه مسلحانه کوبا پیش آهنگان
مسلح ، رهبری نظامی و سیاسی انقلاب را برعهده داشتند ، این
حکم عام پدید میاید که نیروهای مسلح باید گرداننده سیاست
باشند و نه یا نمکس و غیره و غیره . کدام منطق علمی حکم می
کند که از یک حالت خاص احکام و قوانین عام بیرون کشید ؟
تئوری انقلاب کوبا ، پیشاهنگان انقلاب را بگونه میفرستد بدون
آنکه حزبی انقلابی آنها را سازمان دهد و رهبری کند ، حال
آنکه لازم است پیش از انقلاب جامعه را بررسی کرد ، هدف مبارزه
و رهنمود های کلی انقلاب را تعیین نمود ، در جریان انقلاب ،
انقلابیکه سالها بطول میانجامد مبارزه را هم از لحاظ نظامی
رهبری کرد و هم از لحاظ سیاسی آنهم نه در یک مقیاس یک
محل ، بلکه در مقیاس تمام کشور ، در مقیاس سراسر جهان .
چه کسی باید در هر لحظه وضع را از لحاظ سیاسی و نظامی
بررسی کند و رهنمود های را که باید دنبال کرد بدست دهد
همین مسئله رهبری و فکر سیاسی را بخود مشغول داشته است ،
آنها بدستی می پرسند : " ما قبول داریم که در شرایط خصم
و جنگ انقلابی راه مناسبی برای بدست آوردن قدرت حاکم است
ولی ما کجا میتوانیم ثرواندان بزرگی چون فیدل کاسترو پیدا
کنیم که ما را به پیروزی رهبری کند " (چه کوارا ؛ جنگ پارتیزانی
، راهی برای کسب قدرت حاکم ، ترجمه فارسی) . وجود انقلابی
برجسته‌ای مانند فیدل کاسترو در راس انقلاب کوبا ، عده‌ای از
مبارزان را به دنبال پیدا کردن شخصیتی میفرستد که بتواند
آنها را به پیروزی برساند . در اینجا در واقع شخصیت جای
توده‌ها را میگیرد و معلوم نیست اگر چنین شخصیتی پیدا نشود
یا در ضمن مبارزه از صحنه نبرد خالی شود سر نوشت انقلاب
به کجا خواهد انجامید . این حکم درست که " فیدل کاسترو
و امثال او زائیده تاریخ اند " (چه کوارا ؛ در همانجا) تغییر
در سر نوشت انقلاب نمیدهد . آیا میتوان پیشاهنگان انقلاب

را بدون هیچگونه رهبرهای بگونه فرستاد به امید آنکه تاریخ
از میان آنها رهبری پدید خواهد آورد ؟
بدون شک انقلاب از طریق جنگ انقلابی پیروز میگردد و هیچ
چونگی را نمیتوان بدون ستاد فرماندهی به پیروزی رسانید مضافاً
باینکه در جنگ انقلابی تنها رهبری نظامی کافی نیست ، باید
انقلاب را بویژه از لحاظ سیاسی رهبری کرد که بضرورتی آن
اگر از رهبری نظامی بیشتر نباشد کمتر نیست .
انقلاب پدیدهای بسیار پختر و پیچیده است ، از هزاران پیچ
و خم و فراز و نشیب میگردد ، با مشکلات و موانع جدی بسیاری
روبرو میشود . برای گذشتن از این پیچ و خمها ، از این مشکلا
و موانع باید ستادی وجود داشته باشد که تعیین دیربگوییهای
نظامی و سیاسی را برعهده گیرد . این ستاد همان حزب
انقلابی طبقه کارگر است . بدون چنین ستادی امکان ادامه
انقلاب و پیروزی آن نیست . این قانون کلی است و حالت خاص
و استثنائی کوبا نمیتواند آنرا نقض کند . حالت خاص هیچگاه
قانون نمیسازد .
مارکسیست - لنینیست های ایران وظیفه دارند برای
رهبری انقلاب ایران حزب طبقه کارگر را احیاء کنند . احیاء
حزب در ایران چنانکه بارها گفته‌ایم کار دشواری است ، ولی
کزیری بر آن نیست . ما بر آنیم که تمام عناصر و گروههای وفا -
دار به مارکسیسم - لنینیسم باید کوشش خود را در این راه
بکار اندازند . بقیین کوشش مشترک همه مارکسیست - لنینیست ها
در هر کجا که باشند ، کار احیاء حزب انقلابی طبقه کارگر را
توسیع خواهد کرد .

بیاد شهیدان - بهیچا زهر ۱ : خط مشی صحیح سیاسی و
نظامی در سبک خود تنگ بدست از حقوق ملت دفاع میکند
مسلاً جانپنازی آنها به جان ستانی از دشمن میانجامید . باید
حق انحصاری اسلحه داری را از هیئت فرمانروای ایران گرفت
باید قهرضد انقلابی و امپریالیستی را با قهر انقلابی روبرو
این است آخرین ندای شهیدان ما .
جای آست که خلق ایران بخاطر شهیدان خود مباحثات کسب
مقاومت و شهادت آنان دلیل حیات ملت ماست . دلیل آن
است که ملت ما برای نیل به آزادی و استقلال حاضر به فدای
گاری است . برخلاف دید ظاهرینان ، دورزمانی پیروزی هیچگاه
مثل امروز روشن و امیدبخش نبود ماست . امروز حقانیت و ظفر
بخشی مارکسیسم - لنینیسم که راهشای عدل ماست در اثر مبارز
انقلابی جهانی و تحولات عظیم در جنبش کمونیستی و کارگری
بینارز همیشه مسلم کردید ماست ، اگر مارکسیستها - لنینیستهای
ایرانی بقوانند از عهده وظیفه خطیر تشکیل حزب طبقه کارگر
ایران برآیند و اگر این حزب با الهام از سن انقلابی خلق ایران
و مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسهدون در جمع نیروها
و رهبری صحیح نهضت ملی و دموکراتیک موفق گردد ، بیگمان آینده
ای روشن در جرای خلق ایران خواهد بود .
از خطاطره کراسی شهیدان السهام بکسیریم .
درفش آنها را بسپارند تر برافرازیم و در راهی که با خون
آنها ترسیم شده است به پیش روی!

فخران جدید کانیت
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
حساب بانکی
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY
رها و دوستان
روزنامه توفان با تکیه بر نیروی خود برپاست . انتشار هر شماره
این روزنامه با دشواریهای فراوان روبروست . هر کس مادی
شما قدسی در راه تقویت توفان است . از هر کس که هر قدر کوچک
باشد خود داری نوزید . مسافانه بعلت وضع خاص توفان افغ
آبونه و اعانه از طریق عادی میسر نیست . مبلغ آرزومان و اعانه
حد و سایر رفتار و دوستان را مستقیماً به حساب بانکی توفان بروید
و یا از طرق دیگر بما برسانید . بهای تک شماره توفان در ایران
۲ ریال در ترکیه معادل ۴ ریال و در سایر کشورهای معادل ۱۰
ریال است . بهای اشتراک سالانه توفان معادل ۱۰۰ ریال
است .

روز هبسته مگی جوانان

دیری است که همه ساله روز بیست و یکم فوریه بعنوان روز هم بستگی جوانان جهان برگزار میگردد. منای این روز را مبارزه دلاورانه جوانان پاراند از هندی علیه امپریالیسم انگلستان تشکیل داده است. ما از فرصت کنونی استفاده میکنیم تا ضمن شادباش جوانان هم میهن خود، لزوم هم بستگی جوانان جهان و لزوم مبارزه آشتی ناپذیر آنانرا با امپریالیسم و ارتجاع بیجان داریم.

امپریالیسم دشمن شماره یک تمام جوانان کیتی است. این دشمنی بخصوص در زمانی حدت مییابد و همه جانبه میگردد که امریالیسم جهانی بیش از پیش از جانب خلفهای مناطق توفانی و طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری محاصره میشود. جوانان کورهای امپریالیستی ناگزیراند در جنگهای ضد انقلابی شرکت کنند و قربانی امیال انحصار طلبان گردند. بدین جهت و تنها برکتی بیگاری روز افزون، نداشتن فرماسیون حرفه ای، جوانان زحمتکش در مرکز تضادهای حاد، تضادهای میان منافع عینی آنها و منافع امپریالیسم قرار میکنند.

امپریالیسم برای آنکه از بیدار شدن این جوانان و پی بردن آنها به نیروی خود جلوگیری کند بوسایل گوناگونی توسل میجوید فرهنگ بورژوازی امپریالیستی را اشاعه می بخشد. فرهنگی که چون داروی مخدر میتواند نسل جوان را بربودد، به بیپدنی و به بی اثری مبتلا سازد. یک جوان زحمتکش جامعه سرمایه داری اگر رهبری سیاسی نداشته باشد ناگزیر است که علیه وضع اجتماعی خویش بمصیبان انفرادی دست زند. فرهنگ امپریالیستی در تلاش است که این عصیان را به مجرانی سوق دهد که باعث مخالفت جوانان با او نگردد، در تلاش است که جوانان را به منافع زمنی (سویزگویی) منطبق با هدفهای امپریالیسم متقابل سازد. ایدئولوژی امپریالیستی اشکال خاصی از طمعیان سطحیان از اشکال امریکائی را بجوانان عرضه میدارد. اشکالی که جوانانرا از مبارزه بر ضد دشمنان واقعی باز دارد. مطبوعات، تلویزیون و فیلمهای امریکائی و اروپائی نوعی از زور و طمعیان را برای جوانان انشا میکنند و میگویند در آنها اعتقاد به زور (زور بخودی خود بعنوان هدف، زور ضد انقلابی) به نژاد پرستی، به تحقیر نسبت بخلق، بیپول پرستی، به تحقیر نسبت بکار و غیره ایجاد کند. افسانه جینماند این قهرمان امپریالیستی از این نظر بویژه قابل توجه است. این افسانه که رئیس جمهور امریکا نیز آنرا خوانده و از این نظر به خودی - یالذ - تبلیغ کننده اند. بویژه و ایسم افراطی، خود خواهی، توهم نسبت به زن و تنزل او تا حد وسیله ارضاء نیازمندی های مرد، میباشد.

زور امپریالیستی، زور در خدمت منافع انحصار کران بخودی خود بعنوان هدف معرفی میشود. گیش زور بحاطر زور تبلیغ میشود تا مبارز جوانان به درک این واقعیت نایل شوند که زور خواهی - ناخواه جنبه طبقاتی دارد.

این جنبه فرهنگ امپریالیستی میخواید جوانانرا از لحاظ روانی برای کشته شدن در جنگهای امپریالیستی آماده کند. بویژه جنگ بر ضد جمهوری تودهای چین (به تعداد کثیر فیلمهای ضد چینی نوحه نمود) میخواید از آنها فاشیسم ببار آورد. برای کسانی که به زور - آن عم زور امپریالیستی - علاقهای ندانند وسایل دیگری فراهم میشود. کوشش میشود که روح ناسازی جوانان متلاشی شود. که جوانان از توجه به تحولات عظیم اجتماعی باز مانند و به نفس خویش باز گردند. این جنبه فرهنگ امپریالیستی که بر اند بویده والیسم شکنی است مبلغ صلح - خواهی و هر قیمت (پاسیفیسم) است. مبلغ اعتقاد به سرزنش و قضا و قدر است. مبلغ آن است که جوانان به دنبال هوی و همون خویش برونند، به الکل و مواد مخدر و توسل جویند. فرجه هنری خویش را تنها در هنر و ادب اند بویده والیستی بکار اند آژ از هنر و ادب تودهای بر کار مانند و آنرا نپسندند.

این گونه فرهنگ امپریالیستی راه خود بقیه صفحه ۴

بند و بست چند تن ناسازگار

چنین مینماید که این بار جلسه احزاب روزیونیست در یونان تشکیل خواهد شد. اما این جلسه هم گره ای از گار روزیونیست ها نخواهد گشود و تا روز سه روزیونیست شهری که برای تشکیل این جلسه کلیه فوت و فن های خاص خود را بکار برد ما ست از آن طرفی نخواهد بست. روزیونیسم محکوم شکست است و هیچ اقدامی آنرا از این سرنوشته محکوم نجات نخواهد داد. این گفتارنش مشورتی قرار بود در ساجر ۹۶۶ تشکیل شود ولی با سقوط متضخانه خروشیف، جانستینان و رهبر شدند بخلت و بدو شرایط نامساعد برای مدتی آنرا بتعمیق اندازند تا بتوانند احزاب متحدی را که بشرکت در چنین جلسهای تن در نیندازد یا گرفتار تزلزل و تردید برند بحضور در جلسه بکشاند. در طول این مدت، جانستینان خلف خروشیف همه نیروی خود را بکار انداختند، از تمام وسایل تهدید و تطمیع استفاده کردند، افق جلسه را باندازهای وسیع گرفتند که هر حزبی بتواند شرکت خود را در آن توجیه کند. رادوی پیچ، ایران، این، صدای ایرو - زسیون اهل حضرت، در یکی از سخن برانگی های خوب بنقل از مطبوعات، استارسان بیروزمند انفریاد بر آورد گفتا کون هفتاد حزب ما در خود را برای شرکت در جلسه اسلام داشته اند. اما چگونه احزابی که فقط عهدهای راتما از حزب نامی دارند، بسیاری از آنها در نتیجه پشت کردن با آرماتهای طبقه کارگر و خلق زحمتکش از توده های مردم جدا مانده و بگروه کوچکی تبدیل شده اند که زندگی آنها وابسته بشرکت رکن این قبیل جلسات است و بالاخره همه این احزاب در هر کجا که باشند، سر سلسله آنها حزب روزیونیست اتحاد شوروی در نزد توده های زحمتکش حیثیت و اعتبار خود را از دست داده و مردود خلق واقع شده اند. بعنوان نمونه کاهی است بآن چند تنی که در مهاجرت نشسته و بنام حزب توده ایران سخن میگویند و تمام افتخارات گذشته حزب را با گستاخی بحساب خویش میگردانند اشاره شود. وضع احزاب دیگری مانند احزاب "کمونیست"، "کریه عراق"، سوریه و... از این همدردتر است. اما تعداد شرکت کنندگان در این مجلس ضیافت هر چه باشد آنها نخواهند توانست توده زحمتکش جوانان را که از آنها بیزارند بسوی خود جلب کنند. هدف این جلسه بنا بنوشته ماهنامه مردم گویند "تحکیم جنبش جهانی کمونیستی برای مبارزه مؤثر علیه امپریالیسم و دفاع از مصالح حیاتی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و جنبشهای آزاد پیش خلقها میباشد".

کسانی که سالهاست علیه مارکسیسم - لنینیسم برخاسته و با سیاست اپوزونیستی خود زبان های بی حسابی بقدر و منزلت سوسیالیسم وارد آورده اند، کسانی که غی سالها اخیر جنبش کمونیستی جهانی را دستخورد تفرقه و پراکندگی ساختند و همین جلسه حاضر نیز گام تازه ای در توسعه انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی است، چگونه میتوانند بحیثیت این جنبش بپردازند؟ اردوی روزیونیسم از داخل دستخورد تمام های درونی است که هر روز حسد بیشتری مییابد، تدابیر جدیدی که در زمینه اقتصاد اتخاذ شده و راه بر احیای سرمایه داری میکشاید و اولین نتیجه آن پیدایش ناسیونالیسم بورژوازی است که وحدت خلقهارا بر هم میزند، آنها را از یکدیگر جدا میسازد و در مقابل یکدیگر قرار میدهد. هر گروه روزیونیست در پی تأمین منافع خویش است ولو آنکه بزبان گروههای دیگر تمام شود و هر کدام میکوشد در دنیای غرب برای خود متحدینی بیابد. مدخله گستاخانه باره ای از احزاب و کشورهای در امور داخلی احزاب و کشورهای برابر به اندازهای است که روابط آنها را به خصومت می کشاند. این است وضع درونی اردوی روزیونیسم.

از خارج این اردو در زیر ضربات سنگین و بی امان احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی و در پیشاپیش آنها حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی قرار گرفته و جوته ضعیف تر و ناتوان تر میگردد.

با این احوال، انتظار "تحکیم جنبش جهانی کمونیستی" را زین جلسه حیالی باطل و تصویری محال است. وحدت جنبش جهانی و تحکیم آن فقط بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و مبارزه با روزیونیسم امکان پذیر است نه بر اساس ایو لوری و ناسیونالیسم بورژوازی. که کریانگیر احزاب و کشورهای

ننگ بر درخیم اندونزی!

بظهوریکه جرائد خبر میدهند زئرال سوهارتود زخمی ماند و نوزی کسی که در اثر کودتای نظامی و امپریالیستی سپتامبر ۱۹۶۶ اید بگناهی اندونزی رسیده کسی که ارتش و سایر نیروهای ارتجاعی و سیاه اندونزی تحت نظارت فرماندهی اویش از پانصد هزار میهن پرست آن کشور را به قبیعترین طرز بقتل رسانید ندی از بند دست هائی که با امپریالیست های آمریکا، هلند، فرانسه، آلمان غربی و نیز روزیونیست های شوروی همکار آورد و منابع عظیمی از آنها برای دولت دست نشانده مخرد کنگ و اختیار گرفت اینک قرار است در شهر هاه اول سال ۱۹۶۸ به برخی از کشورهای ایابان خویش هلند، فرانسه و آلمان غربی مسافرت کند. دانشجوین انقلابی اندونزی که در کشور جمهوری دموکراتیک آلبانی به تحصیل مشغول اند از هم کون طوسی خطابهای از کلیه نیروهای انقلابی اروپا خواستند که در هر موقعی که این مسافرت صورت گیرد به ایفاء وظیفه انترناسیونالیستی خویش اقدام کنند. بانچه جز توده ها، بانرتیب نطق هرات، با استفاده از هر شکل دیگر مبارزه با فاشیسم سوهارتو را باشتن، با ببار زدن نسبت به رژیم خونخوار و دست نشانده او بپردازند و با این طریق زبان ملت اسیر و مبارز اندونزی باشند.

ما امید داریم که کلیه براتیان میهن پرست مقیم اروپا بویژه دانشجوین به ندای دانشجوین انقلابی اندونزی گوش فرا دهند و در شمار نیروهائی باشند که بموقع خود داغ نفرت برچهره درخیم ملت اندونزی خواهند زد.

هر ضربه بر رژیم خونخوار اندونزی ضربه ای است بر امپریالیسم آمریکا بر ارتجاع جهانی و ارتجاع محمد رضا شاهی. همدردی با ملت اندونزی و مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم وظیفه هر میهن پرست ایرانی است.